طرح یک دعوای حقوقی بین دو تبعه ایران و عثمانی در عهد ناصری

پدیدآورده (ها) : خان محمدی،علی اکبر
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: بهار و تابستان 1375 - شماره 21 و 22
از 28 تا 33
آدرس ثابت : http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/97447

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 30/07/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائهٔ مجلات عرضه شده در پایگاه،مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.

پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

طرح یک دعوای حقوقی

بین دو تبعهٔ ایران و عثمانی در عهد ناصری

دکتر علی‌اکبر خان محمدی
مدرس دانشگاه

دوران تاریخی قاجاریه در ایران، علیرغم این حقیقت که از ادوار تاریخی دیگر ایران بمراتب بیشتر مورد تحقیق و بازشناسی بوده، معهذا هنوز نکات ناگفته‌ای در آن هست که بخصوص از نظر سابقه تاریخی بعضی نهادهای امروزی کشورمان درخور توجه و اهمیّت هستند. یکی از این نکته‌ها روابط و طرز بررسی دعاوی حقوقی بین ایران و همسایگانش تاگذشته‌ای نه‌چندان دور است و آنچه در این نوشته مورد بررسی است این روابط میان ایران و دولت عثمانی در عصر قاجاریه و دوران ناصری می‌باشد. مرحوم محمدمحیط طباطبائی در کتاب «دادگستری در ایران» (ضمیمه مجلهٔ وحید، سال ۱۳۴۷، ص ۵۳) چند سطری را به این مقطع اختصاص داده و در باب رسیدگی به دعاوی اتباع خارجی از جانب دولت ایران در آن دوره می‌نویسد:

در فصل اوّل از دستورالعمل سال ۱۲۷۹ هـ ق. وزارت عدلیه راجع به کیفیت رسیدگی به دعاوی اتباع خارجی نوشته است:

در تکلیف وزارت امور خارجه با دیوان عدلیهٔ اعظم ـ وزارت امور خارجه نظر به اینکه یک طرف مدعی یا مدعی علیه از تبعهٔ خارجه خواهد بود باید کاری که فیمابین تبعهٔ این دولت و اتباع خارجی اتفاق می‌افتد بگزارد. به این جهت از وزارت عدلیه در آن جایز نیست مگر اینکه تبعهٔ خارجه نیز به اطلاع سفارت آن دولت و وزیر امور خارجهٔ خود رجوع به دیوان عدالت نمایند، البته رسیدگی و احقاق حقّ بعمل آید. توضیح آنکه اگر از متداعیین یکی از تبعهٔ خارجه باشد، این خالی از دو صورت نیست: یا عارض اعمّ از داخله و خارجه به صرافت طبع خود به وزارت عدلیه رجوع خواهد کرد و وزارت خارجه کاری که در این میان خواهد داشت فرستادن وکیلی است به وزارت عدلیه که از بدو تا ختم گفتگو مستحضر شده مراتب را به وزارت خود اطلاع دهد. و اگر به عکس باشد از وزارت عدلیه همین وکیل در وزارت خارجه لابد حاضر خواهد شد برای ختم کار و کسب استحضار. این دو وزارت در این دو قسم محاکمات که یکی خارجه باشد و دیگری داخله حتماً از ختم گفتگو باید یکدیگر را اطلاع دهند و به استحضار هم قطع و فصل گفتگو را نمایند...

با این مقدمهٔ نسبتاً کوتاه می‌رویم بر سر اصل مطلب و آن ارائه نمونه‌ایست از حل و فصل دعاوی حقوقی بین دو تبعهٔ ایران و عثمانی در عصر ناصری و در قالب همان دستورالعمل فوق‌الذکر. ماجرا از این قرار است که یک تبعهٔ ایران به نام حبیب که در شهر نجف مجاور بوده از طرف تجاری‌اش بنام سیدحسین حلّه‌ای و برادرش سیدموسی به عدلیه اعظم عارض می‌شود که مبلغ سی هزار قروش از نامبردگان طلبکار و ایشان تأدیهٔ وجه نمی‌نمایند. این دعوا نخست در محاکم قضایی عثمانی از جمله مجلس تمیز شهر حلّه و محکمهٔ تجارت مطرح و چون نتیجه‌ای عاید نمی‌شود بعد از ده سال که از طرح دعوا می‌گذرد (۲۴ جمادی‌الاول سال ۱۲۸۲ هـ ق لغایت ۱۰ جمادی‌الاولی سال ۱۲۹۲ هـ ق) آن را به مجلس عدلیه اعظم احاله می‌دهد. این مراحل بروایت اسناد چنین است:

سند اول

ترجمهٔ سواد مضبطهٔ مجلس تمیز حقوقی حلّه

در باب تحصیل طلب حبیب ایرانی از سیدحسین حلّه‌ای و برادرش سیدموسی. امر نامهٔ علیه مورخهٔ حزیران سنهٔ ۸۵ [۱۲] و نمرهٔ ۲۵ عرضحال ملفوف عارضین رؤیت شد. طرفین را در مجلس این بندگان حاضر کرده به محاکمهٔ آنها رسیدگی نموده به موجب چهار

www.noormags.ir

طغرا سند که در دست حبیب است سی‌هزار قروش طلب داشت. از وجه مزبور هفت‌هزاروشصت‌وهشت قروش ونیم به حبیب مزبور تسلیم کرده بودند. مابقی که بیست‌ودوهزاروهشتصدوسی قروش [می‌شود] به قرض خودشان اقرار نموده، کیفیت از حبیب مزبور سئوال شده، مذکور داشت که چهارهزاروشصت‌وهشت قروش داده‌اند. لیکن از تنخواه سندهای مزبوره نیست و بابت طلب علیهدهٔ من بوده و باقی سی‌هزار قروش را از این بابت داده‌اند، و بموجب اقرار مشارالیها قبض آنها ثابت شده و به اختتام محاسبهٔ حبیب مزبور دعا نمود که مبلغ بیست‌ودوهزاروسی‌ودو قروش تحصیل شود که تا دو سه روزه محاسبهٔ آنها تمام بشود. حکم‌التحصیل مبلغ مزبور بموجب ادعای حبیب در مجلس این بندگان مذاکره شد تا بعد به محاسبهٔ آنها رسیدگی بشود و در این خصوص امر وارده با حضرت من‌الله‌الامر است.

نائب رئیس عبدالوهاب

[پی‌نوشت] تمیز در مأموریت است.
[پی‌نوشت دوّم] مذاکرات که بموجب تعلیقهٔ متصرف در باب تحصیل بیست‌ودوهزاروهفتصدوسی‌ودو قروش نوشته شده است. ایلول سنهٔ ۸۵ [۱۲].
[پی‌نوشت سوم] بموجب مدعای حبیب صورت اعلام در دفتر محکمه نوشته شده بدستش داده شود. ۱۲ ربیع‌الاول سنه ۸۷ [۱۲]. ۳۰ حزیران

سند دوم

سواد اعلام مجلس تجارت [بغداد]

نمرهٔ ۲۳۲ صورت حساب طلب حبیب ایرانی از سیدحسین و برادرش سیدموسی حلّه‌ای. اصل تنخواه بموجب چهار طغرا است:
[سیاق] ۷۵۰۰ قران [کذا]. سیدحسین قسم یاد نمود که تنزیل [آن] جبران کرده‌اند.
[سیاق] ۵۶۲۵ قران بوده. مشارالیها ثابت نمودند که به حبیب و برادرش علی داده‌اند.
[سیاق] ۲۶۲۵ قران به قرار صدی هیجده تنزیل می‌شود ۴۶۸ قران که طلب حبیب از مشارالیها می‌ماند ۴۷۲ قران و نیم.
[سیاق] ۲۱۵۲ قران.

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

سند سوم

[گزارش محکمهٔ تجارت بغداد]

در باب رسیدگی به دعوایی که فیمابین سیدموسی و برادرش سیدحسین حلّه‌ای، تبعهٔ دولت عثمانی، و حبیب ایرانی. عریضهٔ آن‌ها که تقدیم کرده و از جناب عالیحضرت بیانی به تاریخ ۲۴ جمادی‌الاول سنه ۸۲ [۱۲] هـ به محکمهٔ تجارت حواله شده بود طرفین را در حین حضور ترجمان کارپرداز حاضر نموده و ماحصل دعوای آنها رسیدگی شده. حبیب مزبور در باب طلب خود از سیدموسی و برادرش سیدحسین یک طغرا اعلام از مجلس تمیز حقوق ابراز داشته، چون در صورت حواله اینگونه به مجلس تمیز حقوق و صدور اعلام اثبات آن اعلام در محکمهٔ تجارت مناسب نمی‌باشد و لازم است که در دیوان تمیز ولایت جلیله ثابت بشود. بناء علیه در باب حوالهٔ اعلام مزبور به دیوان مذکور در اعلامی که به تاریخ ۲۶ رجب ۸۶ در مجلس این بندگان تقدیم پیشگاه عالی گردید معروض شده بود، از آنجهت حواله دیوان مزبور فرمودند. با وجود این چون دعوای آنها به کلی از مواد تجارت بود اعلام مجلس تمیز حقوق حلّه را فسخ نموده دعوای آنها به محکمهٔ تجارت اعاده شد. بدلیل اعلامی که به تاریخ ۱۳ رجب ۱۲۸۶ از دیوان تمیز ولایت صادر، موشح بحکم ثانی بود مجدداً موافق قانون نامهٔ تجارت در حضور ترجمان مشارالیها اقدام به رسیدگی شد. بعد از نوشتن استنطاق طرفین بجهت رفع به اصل تنزیل که در مجلس تمیز حقوق حلّه شده اعلام مذکور به معرفت حکومت علیه حاضر نموده بعد از مطابقه معلوم شد که سید موسی و برادرش سیدحسین در سنه ماضیه از حبیب ایرانی مزبور بموجب سند تنزیل صد و پنج به موعد ششماهه هفت‌هزاروپانصد قران قرض کرده‌اند و از مبلغ مزبور که سه‌هزار قران به حبیب مزبور و علی برادرش ادا کرده‌اند چون مرابحهٔ مزبور مخالف قانون بود استدعا نموده‌اند که از اصل تنخواه موضوع بشود. حبیب مزبور جواب داد این

www.noormags.ir

هفت‌هزاروپانصد قران بموجب تمسک دین قرض‌الحسنهٔ آنها است و مرابحهٔ ندارد و از آن مبلغ چیزی به او نرسیده. از سیدموسی و برادرش سیدحسین از بابت رد سه‌هزار قران و مرابحهٔ صدوپنج شاهد خواسته شد. از اهالی حلّه لقمان حلبی ولد سلطان حلبی و سیدمحمدحسین ولد سیدعلی را حاضر کرده در خصوص تسلیم شدن سه‌هزار قران از طرف سیدموسی و برادرش سیدحسین به حبیب و برادرش علی شهادت نامه داده، و در خصوص مرابحهٔ صدوپنج و داخل شدن مرابحهٔ به تنخواه آن اسناد هم محمدعلی ولد یعقوب، هود ولد صالح جاوی و حبیب‌آقا نام حاضر شدند شهادت دادند. و امین افندی معاون سابق متصرف حلّه نیز در این باب به مجلس این بندگان کاغذی نوشته شهادت داده بود. سوای از اینها استنطاق شهودی که در متصرفی حلّه پیوسته شده بود در آن استنطاق‌ها هزار قران که به حبیب و برادرش علی شهادت داده بودند به استنطاق‌های مزبوره تقریر اینکه در حضور مترجمان مدعی و مدعی علیها به تاریخ ۱۳ رجب ۱۲۸۶ و ۳۰ شعبان ۸۶ و ۲۰ شوال ۸۶ استنطاق‌هایی که در حلّه آمده بود با استنطاق‌های شهود حاضر در مجلس حضور حبیب و مترجمان مزبور خوانده شد. حبیب مذکور در باب ادعایی که در خصوص مرابحهٔ تنخواه که یک‌هزاروهشتصدوهفتادوپنج قران داخل اصل تنخواه بود ادعا نمود که تنها سیدحسین در این باب قسمی بخورد و مبلغ مزبور را به مشارالیه از اصل تنخواه محسوب بدارد و سیدحسین قسمی یاد نموده مبلغ مزبور بعد از اینکه از اصل تنخواه به تمسّکات تنزیل شود به موجب صورت حسابی که در فوق، قلمی گردیده به همه جهت طلب حبیب ایرانی ده‌هزاروهفتصدوشصت‌ودو قروش و نیم به ذمّت سیدموسی و سیدحسین تثبیت شده و صدور این گونه حکم این ترجمان کارپردازها هم در مجلس این بندگان با ورقهٔ مخصوصه ابلاغ شد و این اعلام به دست سیدحسین و سیدموسی داده شده ۲۳ شوال ۸۶ و ۱۲ کانون ثانی ۸۵

سند چهارم

ترجمهٔ سواد حکمی است که بتاریخ ۲۷ محرم ۸۹ و ۲۵ مارت ۸۸ [۱۸] از جانب صدارت عظمیٰ بجناب رؤف پاشا والی ولایت بغداد صادر شده.

دولتوافندم حضرتلری (کذا). در باب تحصیل سی‌وهفت‌هزاروپانصد قروش طلب ملاحبیب تاجر طهرانی که در عراق عرب مشغول داد و ستد می‌باشد از سیدموسی و برادرش سیدحسین ساکنین قصبهٔ حلّه از جانب سفارت نوشته که با وجود اتمام محاکمهٔ آنها در مجلس بغداد و ثبوت طلب او و صدور مضبطهٔ و امر جنابعالی به تحصیل طلب او، باز طلب او وصول نشده و ظلم فاحش در حق او کرده‌اند. خواهش نموده‌اند که طلب او تحصیل شده به معرفت کارپردازخانه به خودش تسلیم گردد. در صورتی که ایرانی مزبور طلب ثابت شده به آن نحوها داشته نیز تحصیل آن موافق قانون از لوازم است. به تحصیل مبلغ مزبور و احقاق حق مشارالیه همت بفرمائید.

[پی‌نوشت] ناظم افندی هم همین مضمون سفارش‌نامه به والی بغداد نوشته که طلب او را تحصیل نمایند.

سند پنجم

به تاریخ دوم جمادی‌الاولی سنه ۸۹ از کارپرداز خانه [ایران] به والی نوشته‌اند.
که در باب طلب ملاحبیب چون در مجلس تجارت طرفیت‌گیری می‌نماید قرار بگذارید مجلس قومیسیونی [کذا] تشکیل شده به این ماده مجدداً" رسیدگی نمایند.
به تاریخ ۱۶ جمادی‌الاولی سنه ۸۹ از ولایت بغداد جواب به کارپردازخانه نوشته‌اند چون این ماده به کلی راجع به تجارت است از آن جهت سابقاً" رجوع به محکمه تجارت شده رسیدگی نموده و قطع و فصل کرده و اعلام داده‌اند و پای استنطاق‌ها را مدعی و ترجمان مهر و امضا کرده‌اند. تجدید محاکمه و تشکیل مجلس قومیسیون خلاف نظام است.

www.noormags.ir

سند ششم

خلاصهٔ ترجمهٔ اسناد عربیه حبیب عارض

- یک طغرا به اسم سیدحسین بمبلغ یکصد تومان بموعد شش ماه به مهر عبدالوهاب و عبدالواحد و رویدبن خلف و عباس هندی و صادق ایرانی.
- یک طغرا به اسم سیدحسین بمبلغ سیصد تومان به موعد شش ماه به مهر احمد و صادق و محمد و عباس هندی.
- یک طغرا به اسم سیدحسین بمبلغ پنجاه تومان به موعد شش ماه به مهر محمد و سلیم بیک و عباس و دیز هندی.
- یک طغرا به اسم سیدحسین و سیدموسی بمبلغ سیصد تومان به مهر محمدحسین و عبدالرحمن ابن محمد و احمد و عباس هندی

سند هفتم

ترجمهٔ عریضهٔ حبیب نام ایرانی، مجاور نجف اشرف رعیت دولت علیه نجاکپای اقدس همایونی به تاریخ ۱۰ شهر جمادی‌الاولی ۱۲۹۲.

بموجب چهار طغرا سند از سیدموسی و برادرش سیدحسین سی‌هزار قروش که ششصد تومان می‌شود طلب داشتم. در ادای آن تعلل کردند. به مجلس تمیز حقوق قصبه حلّه شکایت نمودم، چون سابق قدری از آن وجه داده بودند قرار نشد که آن وجه را محسوب داشته مابقی راکه بیست‌ودوهزاروهشتصد قروش بوده بدهند، نداده در مجلس آنها را به جنس گذاشته در حالیکه جنس نداده. شکایت کردند و بعضی اشخاص به آنها حمایت کرده از طرف والی ولایت حکم به احضار آنها صادر شد. همین که طرفین وارد بغداد شدیم با وجودی که دعوای فردی تمام شده بود مجدداً به محکمه تجارت حواله نمودند در حالتی که به سی‌هزار قروش طلب خود به هیچ وجه مرابحهٔ نگرفته بودم. هشت‌هزاروسیصد قروش سهم مرابحهٔ و پانزده‌هزار قروش هم به ادعای برادر کمترین داده‌اند و دو هزار و سیصد قروش و کسری نیز به حساب صدی هیجده اسقاط تنزیل کرده مطالبات مزبوره فدوی را حکم کردند که ده‌هزاروپانصدوشصت‌ودو قروش ونیم است. محکمه تجارت بغداد چنانکه بسیار خانواده‌ها را از راه غرض و عناد خراب و ویران کرده مال حلال مراکه با هزار خون جگر و زحمت و مشقت جمع کرده بودم در یک روز پایمال نمود. از جمله ظلم‌های فاحش یکی این است در حالتی که در مجلس تمیز حقوق حلّه مشارالیها به بیست‌ودوهزاروهشتصد قروش طلب من اقرار نموده و به جهت تحصیل آن وجه محبوس شده بوده بعد از ورود به بغداد او ادعا نموده که پانزده‌هزار قروش به برادر فدوی داده‌اند و با دو نفر شاهد جعلی مجبوری اثبات مدعا کردند. نمی‌دانم محکمهٔ تجارت صلاحیت دارد که مضبطهٔ پنج نفره وجوه مملکت راکه مسلم هستند و در میان آنها افضل‌الفضلاء رئیس حضرت نایب لوا می‌باشد با دو نفر شاهد مجبوری تکذیب نمایند. البته معدلت و مراحم سنیه به این امر راضی نخواهد شد مطالبات فدوی که بموجب چند طغرا سند است پانزده‌هزار قروش که بگویند به برادر من داده‌اند، آیا معلوم این است که سندی دست نوشته از او بگیرند یا خیر. هرچند حال پرملال خود را به حکومت شکایت کرده و عرض تظلم نمودم قبول نفرموده بجهت رفع این ظلم فاحش عازم طهران شده در وزارت خارجه تعلیقه گرفته و به سفارت عثمانی اطلاع داده شده برای اخذ حق خود مجدداً به بغداد مراجعت کرده تعلیقه را به کارپردازخانه تسلیم نمودم، به تاریخ ۲۶ جمادی‌الاول ۱۲۸۹. در کارپردازخانه به حکومت نوشتند، حکومت باز به محکمهٔ تجارت حواله فرمودند و دوباره از آنجا مخالف قانون و نظام جواب داده‌اند. سئوال و جواب تقدیم شد، در صورتی که یک دینار مرابحه نگرفته‌ام مادامی که آنها مدیون هستند موافق نظام هرگاه مرابحه ایام گذشته را ادعا نمایم حق دارم. از آنجاکه ذات اقدس همایونی ملجاء و ملاذ بیچارگان است حالت مظلومیت خود را به خاکپای عدالت پیمای ظالم‌گداز مجبور شدم که معروض بدارم. مواد مضبطهٔ مجلس تمیز و اعلام مجلس تجارت و اسناد مشارالیها را لفاً تقدیم نمود. در باب احقاق حق امر و فرمان با حضرت من‌اله‌الامر است.

در اینجا اسناد ما از این ماجرا و دعوای حقوقی به پایان می‌رسد بدون اینکه بدانیم آیا از مدعی احقاق حق شد یا خیر. ولی نکتهٔ مهم اولاً طول کشیدن این ماجراست که چنانکه اشاره شد ده سال ادامه می‌یابد. دوم اینکه مدعی شکایت به مجلس اعظم عدالت ایران و شخص شاه را بعنوان آخرین مرجع قضاوت، بویژه زمانی که احقاق حق او نشده می‌شناخت و بالاخره نکته سوم سیر این محاکمات در دادگاه‌های مختلف قلمرو عثمانی است و اینکه در نهایت مدعی برای اتمام شکایت به وطن اصلی ایران و مجلس عدالت آنجا روی می‌آورد، جائی که تنها مرجع اجرای قانون همان مجلس اعظم عدالت ناصرالدین‌شاهی است.

www.noormags.ir

۱۲۹۲

ترجمه عریضه جناب ناصرالدین شاه قاجار به محضر شریف حضرت ملکه ویکتوریا

www.noormags.ir

ترجمه سواد حکمی است که تاریخ ۲۷ محرم ۸۹ و ۲۵ ارت ۱۸۰ از جانب صدارت عظمی جناب رؤف پاشا والی ولایت بغداد صادر شده

۹۲

در تلو قسم خصوصی

در باب تحصیل مبلغ دویست تومان طلب جلیل تاجرهائی که در عراق عرب مشغول کار رشته بافی اند مرسوم و وارد شده است

قصبه حله از جانب سفارت نوشته که با وجود آنکه تمام اهالی بغداد و ثروت طلبها و وصول و مضبوطه و از جانب تحصیل طلب از بار طلبها و صدور نشده و طلبهای خود را

از کیسه خود بیرون داده و طلبها را تحصیل شده بعرض کار و رد و رجاء بجوزش تسلیم کرده در صورتیکه ایرانی بزرگ طلبها ثابت شده آن را تحصیل

قانون از لوازم است تحصیل مبلغ مزبور و احقاق حق شارالیه لازم است بفرستد

ناظم فهمی ۱۴ همین مضمون سفارشنامه برای بغداد نوشته که طلبها را تحصیل نماید

تاج در ۱۴ جمادی الاولی سنه ۸۹ از کارپردازخانه برای نوشته که در باب طلبهای جلیل جمع بهمن تجارت طرف کسی نمانده قرار که ایرانی مبلغی و مسیو تشکیل شده تا آخر

نمره ارسیده کی نیاید

تاج ۱۴ جمادی الاولی سنه ۸۹ از ولایت بغداد جواب بکارپردازخانه نوشته که چون آنها تکلیف را بتجارت از آنجهت ساقط و رجوع بمکمه تجارت شده زیاده

و قطع و فصل کرده و اعلام نموده و پاس استنطاق قهار را تمرین و در جای مهر و امضا کرده از تجهیز محاکمه و تشکیل مجلس قومسیون معذوف نظام است

حاشیه ترجمه اسناد عربیه جلد چهارم

کمیطرا باسم سید حسین مبلغ سیصد تومان بر عهده تشن ماه بهمن الواب و عراق و دیوانی مختلف عباس انهری و صادق ایرانی

کمیطرا باسم سید حسین مبلغ سیصد تومان بر عهده تشن ماه بهمن مهر رسم بیک و عباس وزیر انهری

کمیطرا باسم سید حسین و سید یوسف مبلغ سیصد تومان بهمن مهر حسین و عبدالرحمن ابن مهر و احمد و عباس انهری

www.noormags.ir